



نهادهای وقفی و خیریه در امریکا

الیزابت بوریس

ترجمه: صادق عبادی

از آن جایی که بنیادها، نهادها و مؤسسه‌های خیریه جهان غرب در اهدافی چون خدمت عمومی به مردم و نیز دانش با نهاد وقف اسلامی تشابه دارند، و ساختار اداری این گونه نهادها مانند داشتن آیین‌نامه، هیأت امناء، هیأت مدیره و غیره نیز با نهادهای خیریه یا حتی موقوفات اسلامی مشابهت دارد، شناخت آن‌ها، و استفاده از مشکلات و تجربه‌هایشان، تا آن جا که با اصول فرهنگی و دینی اسلام تعارض نداشته باشد، مفید خواهد بود؛ خصوصاً اگر بدانیم که دانش و تجربه نهادهای خیریه غرب اصولاً از مشرق زمین و از موقوفات اسلامی گرفته شده است. بنابراین از این شماره، فصل‌نامه وقف؛ میراث جاویدان کوشش می‌کند تجربه کشورهای دیگر را ارائه دهد تا در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد. در این شماره ساختار حقوقی و وضع نهادهای خیریه در امریکا عرضه می‌شود.

میراث جاویدان

۱. نهادهای خیریه در امریکا

مفهوم واژه Philanthropy

ریشه واژه Philanthropy یونانی بوده و به معنی «نوع دوستی» و «انسان دوستی» است.^۱ کاربردهای نوین این واژه

^۱ شناسه اصلی مقاله بدین شرح است: Elizabeth Boris, Philanthropic Foundation in the United State, Council On Foundation [توضیح اینکه کلیه پاورقی‌ها از مترجم می‌باشد]

شامل «کارهای نیکوکاری داوطلبانه افراد یا گروه‌ها با هدف خدمت به عموم مردم و بالا بردن سطح زندگی آنان» است؛ در امریکا علاوه بر معنی قبلی شامل کمک‌ها و پرداخت‌های اهدایی نقدی از طرف «نهادهای خیریه» [اشخاص] به «نهادهای مردمی» [غیر دولتی] و غیر انتفاعی است.^۲

تفاوت نیکوکاری با مفهوم صدقه

آیا میان مفهوم نیکوکاری (philanthropy) و مفهوم صدقه (charity) تفاوتی وجود دارد؟ پیش‌تر این دو مفهوم در یک کاربرد و هدف به کار گرفته می‌شد، ولی در امریکا مفهوم صدقه به کمک‌های مالی با هدف رفع نیازها و آسیب‌های اجتماعی اطلاق می‌شود، در حالی که نیکوکاری دایره‌ای وسیع دارد که دربرگیرنده کمک‌ها و پرداخت‌های مالی به نهادهای خیریه و مردمی است که در زمینه مبارزه با عوامل فقر و مشکلات اجتماعی، یا با هدف بالا بردن سطح زندگی مردم فعالیت می‌کنند.^۳

مفهوم نیکوکاری یا امور خیریه کمک به زنجیره‌ای از فعالیت‌ها در زمینه آموزش، پژوهش و تحقیق، بهداشت، هنر و فرهنگ، بورس تحصیلی است که معمولاً توسط جمعیت‌ها و نهادهای خیریه اجرایی می‌شود. در امریکا و کشورهای دیگر به این گونه جمعیت‌ها و نهادهای خیریه، که در برابر تقدیم خدمات گوناگون، از طرف افراد نیکوکار کمک مالی دریافت می‌کنند نهادهای «غیر دولتی» اطلاق می‌شود. به موجب قانون در امریکا، این گونه نهادهای غیر انتفاعی با نام «نهادهای خیریه عمومی» (public charities) شهرت دارند.

ماهیت و شرایط مؤسسه خیریه

«مؤسسه خیریه» نهادی است غیر تجاری، غیر انتفاعی و غیر دولتی که با هدف آماده ساختن و بالا بردن سطح افراد یا مؤسسات دیگر (مردمی و یا دولتی) کمک‌های مالی را به نهادهای غیر انتفاعی دیگر (از جمله جمعیت‌های خیریه) می‌رساند. نیز می‌تواند مستقیماً خدمات عمومی ارائه کند، یا در زمینه انجام پژوهش‌ها، تحقیقات، همایش‌ها و انتشار گزارش‌ها اقدام نماید.

«مرکز اتحادیه نهادهای خیریه» که وظیفه جمع‌آوری اطلاعات و انتشار راهنمای نهادهای خیریه در امریکا را به عهده دارد، در کتابچه راهنمای خود این گونه آورده است: مؤسسه خیریه مؤسسه‌ای است غیر انتفاعی و غیر دولتی که دارای صندوق وقفی (Endowment funds) و منبع مالی [موقوفات با عواید] مخصوص به خود است، به گونه‌ای که می‌تواند هزینه فعالیت‌های آموزشی، مذهبی، خیریه یا هر خدمت عمومی دیگری را تأمین کند، به خصوص از راه کمک به نهادها و مؤسسات خیریه دیگر که با همان اهداف فعالیت می‌کنند.

مؤسسه خیریه، نهادی است سازمان یافته جهت ساماندهی کمک‌ها و هدایای داوطلبانه و خیرخواهانه از طرف نیکوکارانی که خواهان رساندن کمک‌های مالی خود به جهتی یا خدمتی مشخص و تعیین شده می‌باشند.^۴

بسیاری از نهادها در امریکا نام مؤسسه خیریه به خود اطلاق می‌کنند، ولی فقط نهادهایی که این شرایط را داشته باشند، در مجموعه مؤسسات خیریه قرار می‌گیرند:

۱. به انجام فعالیت‌های خیریه بپردازد، مانند کمک‌های مالی به نهادهای خیریه دیگر یا به افراد نیازمند، یا داشتن توانایی اجرای طرح‌های تحقیقاتی و اجرایی برای یک نهاد علمی، پژوهشی، موزه یا هر مؤسسه

خیریه دیگر؛

۲. در زمینه فعالیت‌های خود توسط یک فرد یا افرادی، و یا مؤسسه‌ای تجاری، تأسیس شود.

۳. زیر نظر هیأت مدیره یا هیأت امنای اداره شود.

۴. کمک‌ها یا هدایای نقدی، مستغلات، اوراق بهادار مالی را از نیکوکاران دریافت کند، یا درصدی از «مالیات بر درآمد» اشخاص را در چارچوب قانون کسر کند (اگر شخص در قید حیات باشد)، و یا اگر شخص فوت کرده و وصیت کرده بود حق دریافت کمک‌هایی از درصدی از «مالیات بر ترکه» (Estate Taxes) را داشته باشد.

۵. می‌تواند اموال موقوفه (Endowments) را تبدیل به «اوراق بهادار»ی مانند سهام و اوراق قرضه و غیره نموده، سپس سودها و عواید حاصله را، علاوه بر هدایای نقدی، به نفع مردم هزینه کند. بعضی از مؤسسات خیریه اموال دریافتی را مستقیماً در خدمات هزینه می‌کنند و صندوق وقفی ایجاد نمی‌کنند.

۶. از دولت مستقل بوده و به دور از اشراف مستقیم دولت فعالیت کند.

۷. به دنبال سود و منافع نباشد، چون غیر انتفاعی است.^۶

۸. چنین مؤسسه‌ای در طبقه بندی جزو مؤسسات معاف از مالیات یعنی معاف از «مالیات بر درآمد» است. ولی مشمول «مالیات بر تولید» (Excises Taxes)، به نسبت ۱٪ یا ۲٪ از درآمد ناشی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تولید می‌باشد.^۷

طبقه بندی مؤسسات خیریه

در امریکا مؤسسات خیریه به دو گونه طبقه بندی می‌شوند:

یک: مؤسسات خیریه خاص (private foundation): شامل مؤسسات خیریه تأسیس شده توسط

افراد مستقل یا مؤسسات خیریه وابسته به شرکت‌های تجاری یا مؤسسات خیریه فعال و عملیاتی.

چنین مؤسسه‌ای توسط نیکوکاران یا نمایندگان آن‌ها تأسیس می‌شود. مؤسسان، اعضای هیأت

مدیره (Bord of Directors) یا اعضای هیأت امنای تعیین می‌کنند و نیز سیاست توزیع عواید و اموال

مؤسسه را به موجب قانون در چارچوب اهداف مؤسسه، مشخص می‌کنند.

این‌گونه مؤسسات را براساس قوانینی خاص و به موجب «قانون مالیات امریکا» که مؤسسات را به

هزینه کردن اموال خود برای اهداف جامعه و نه منافع شخصی، ملزم می‌کند می‌توان سه گونه

تقسیم نمود:

الف. مؤسسه خیریه خاص و مستقل (Endepent foundation)، که توسط یک شخص یا یک

خانواده یا مجموعه‌ای از اشخاص که متعهد به کمک مالی اهدایی برای کارهای خیریه می‌شوند.

مدیریت [یا تولید] این‌گونه مؤسسات توسط خود شخص یا خانواده او یا بانک و یا هر نهادی که اهدا

کننده باشد تعیین می‌شود. «هیأت مدیره» یا «هیأت امنای» منتخب، که معمولاً توسط خود اهداکننده

یا اعضای خانواده وی یا افراد مورد اعتماد آنان تعیین می‌شود، مسؤول تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت آن

مؤسسه است. اگر چنین مؤسسه‌ای توسط خود شخص یا یکی از اعضای خانواده وی اداره شود، به آن

«مؤسسه خیریه خانوادگی» (Family Foundation) اطلاق می‌شود. امروزه بسیاری از این‌گونه

مؤسسات، مدیریت شخص مؤسس یا یکی از افراد خانواده او را به افراد متخصص و دارای سابقه در کارهای خیریه واگذار می‌کنند.

ب. مؤسسه خیریه وابسته به شرکت‌ها (corporate foundation) که معمولاً توسط همان شرکت‌های تجاری تأسیس می‌شوند، و بیشتر فعالیت آن‌ها کمک‌های مالی به طرح‌های خیریه و خدمات عمومی است. معمولاً شرکت‌ها مبلغی را سالیانه به آن مؤسسه اهدا می‌کنند، یا این که صندوقی وقفی و دارای عواید مالی، برای آن تأسیس می‌کنند تا در سال‌های رکود اقتصادی یا کمبود سود، بتوانند به کمک‌های مالی ادامه دهند. معمولاً اعضای «هیأت مدیره مؤسسه خیریه» از اعضای شرکت هستند اما گاهی هم خارج از کادر اداری آن می‌باشند. گاهی شرکت‌ها، به یک طرح خاص و خیریه کمک‌های مالی اهدا می‌کنند، ولی در قالب مؤسسه خیریه نیستند.

پ. گونه سوم، مؤسسات خیریه فعال یا اجرایی (operating foundations) می‌باشند، که توسط عده‌ای از افراد یا خانواده تأسیس می‌شوند. هدف این مؤسسات اجرای یک طرح خدماتی، یا ارائه خدمات به طور مستقیم (و نه مالی) مانند کمک عملی به یک موزه خاص یا انجام یک طرح تحقیقاتی، یا واگذاری مکانی برای کهنسالان است. این گونه مؤسسات جزو آمارهای اعلام شده در پژوهش می‌باشند.

دوم: مؤسسات خیریه عمومی: گروه دوم با نام «مؤسسات خیریه عام» (community foundation) و دارای قوانین خاص خود می‌باشند. در این گونه مؤسسات اعضای هیأت مدیره یا امنا باید دارای حقوق مساوی باشند، و تابع مقررات گروه اول یعنی مؤسسه خیریه خاص نیستند، زیرا قوانین حاکم بر گروه دوم با آزادی عمل بیشتر، و از معافیت‌های مالیاتی بیشتری برخوردار است. این گونه مؤسسات توسط گروهی از اشخاص با هدف خدمت به بخشی از جامعه یا محله خود تأسیس می‌شوند. معمولاً صندوقی (وقفی) از اموال اهدایی نیکوکاران تأسیس و به نهادهای خیریه، افراد، یا نهادهای دولتی برای انجام اهداف معینی و با هدف بالابردن سطح زندگی در منطقه کمک‌های مالی می‌کنند. گاهی این مؤسسات صندوق‌های مستقلی (با هدف خدمت مشخص) دارند که توسط یک نیکوکار یا مجموعه‌ای از افراد یا یک شرکت تجاری اهدا می‌شود، تشکیل می‌دهند. اهداکننده (یا واقف) می‌تواند نام خاصی را برای آن صندوق تعیین کند و مدیریت آن توسط «هیأت مدیره» انجام می‌شود، و کمک‌ها توسط کارمندان و اعضا به مستحقان می‌رسد.

چون مؤسسه خیریه عام است، اعضای هیأت مدیره (یا اعضای هیأت امنا یا اعضای کمیته‌ها) از قشرهای مردمی و دولتی انتخاب می‌شوند. این گونه مؤسسات باید آمار کمک‌ها و اهدایی مالی عموم مردم به مؤسسه را در بیلان مالی سالیانه اعلام کنند. این شرط با نام «آزمون کمک‌های مردمی» (public support test) شهرت دارد.

گونه‌های دیگری از مؤسسات خیریه عام وجود دارند که کلیه درآمد آن‌ها از کمک‌های مردمی است، و آن اموال در جهت خدمات معینی هزینه می‌شود. برای نمونه در دهه هفتاد میلادی تعداد فراوانی از مؤسسات خیریه عام توسط خانواده‌های ثروتمند تأسیس شدند و کلیه بودجه آن را سالیانه تأمین می‌کردند تا به اهداف و طرح‌های اجتماعی کمک کنند.

در دهه هشتاد میلادی، گروهی از بانوان در شهرهای آمریکا «صندوق‌های زنان» با هدف کمک به

نیازهای زنان و دختران تأسیس کردند. هم چنین گروه‌هایی از اقلیت‌ها (دینی یا ملی) به تأسیس مؤسسات خیریه عام برای جمع‌آوری اموال نقدی جهت خدمت به اقلیت‌ها اقدام کردند. امروزه این گونه مؤسسات بخشی از گستره کارهای خیریه در ایالت‌های امریکا را تشکیل می‌دهند، که جزو آمارهای ارایه شده در این پژوهش قرار نمی‌گیرند.

آمار نهادها و مؤسسات خیریه

آخرین آمارها^۱ نشان می‌دهد که در امریکا تا سال ۱۹۸۹م بر اساس طبقه‌بندی‌ای که شرح داده شد حدود ۳۲۰۰۰ مؤسسه خیریه به این شرح وجود دارد:

۲۸۶۶۹ مؤسسه خیریه خاص مستقل (۵/۸۹٪)؛

۱۵۸۷ مؤسسه خیریه وابسته به شرکت‌های تجاری (۵٪)؛

۱۴۵۲ مؤسسه خیریه فعال و اجرایی (۵/۴٪)؛

۲۹۲ مؤسسه خیریه عمومی (۱٪).

وضعیت مالی

از نظر مالی این گونه مؤسسات نقش مهمی در اقتصاد امریکا بازی می‌کنند. برای نمونه در سال ۱۹۸۹م، دارایی ثابت (fixed assets) این مؤسسات بر اساس آمار «مرکز مؤسسات خیریه» حدود ۱۳۸ میلیارد دلار. مبالغ اهداشده و کمک‌های مالی آن‌ها به مؤسسات دیگر ۷/۹ میلیارد دلار بود. و حدود ۵/۵ میلیارد دلار کمک مالی دریافت کردند. معمولاً مؤسسات خیریه مستقل (خاص، خانوادگی و شرکت‌ها) حدود ۸۵٪ دارایی‌های ثابت نهادهای خیریه را دارا هستند، و ۷۵٪ کمک‌های مالی را اهدا می‌کنند. (نتیجه می‌گیریم که مؤسسات خیریه عام ۱۵٪ دارایی ثابت نهادهای خیریه، و ۲۵٪ مجموع کمک‌های مالی را تشکیل می‌دهند.)

اصولاً تعداد مؤسسات خیریه بزرگ در امریکا محدود بوده و اکثر آن‌ها کوچک می‌باشند. زیرا دارایی ثابت اکثر مؤسسات خیریه (یعنی ۲۴۴۴۲ مؤسسه که ۷۶٪ از مجموع آمارهاست) میان ۱۰۰ هزار تا یک میلیون دلار می‌باشد. تعداد مؤسسات خیریه‌ای که دارایی ثابت آن‌ها از یک میلیون دلار به بالا است فقط ۷۵۰۰ مؤسسه می‌باشد ولی ۸۷٪ کمک‌های مالی را در دست دارند. این آمار نشان می‌دهد که تنها یکصد مؤسسه خیریه بیش از نصف دارایی ثابت نهادها را در دست دارند.

چه کسی مجاز به دریافت کمک مالی است؟

مؤسسات خیریه طبق قانون امریکا، مجازند کمک‌های مالی خود را تا زمانی که هدف آنها نیکوکاری باشد، به هر نهاد یا شخصی تقدیم کنند. پس همه اشخاص، مؤسسات غیرانتفاعی، جمعیت‌ها و نهادهای دولتی (محلّی یا بین‌المللی) مجاز به دریافت اهدایی و کمک مالی خیریه (Endowment) هستند. ولی دیده می‌شود که بیشترین اهدایی‌های مالی از طرف مؤسسات خیریه به نهادهای غیرانتفاعی در امریکا، به آنهایی پرداخت می‌شود که به موجب قانون (سازمان‌ها ۵۰۱-c3) در چارچوب نهادهای دارای حق دریافت کسر مالیات هستند یعنی نهادهایی که در زمینه اهداف دینی، خیریه یا علمی فعالیت می‌کنند. اگر مؤسسه دریافت‌کننده، جزو نهادهای غیرانتفاعی‌ای باشد که حق دریافت کسر مالیات را ندارد، مؤسسه پرداخت‌کننده باید بر مصرف آن اموال نظارت کرده باشد، و گزارش دقیق هزینه‌ها را به ادارات دولتی امریکا تقدیم کند. این گونه نظارت «مسئولیت هزینه» (Expenditure Responsibility) نامیده می‌شود، و بنابراین نهاد دریافت‌کننده باید گزارشی از هزینه‌ها به مؤسسه پرداخت‌کننده ارائه دهد. اما نسبت به کمک‌های مالی به بورس تحصیلی و مطالعات علمی و پژوهشی برای اطمینان از بی‌طرفی و صحت پرداختی‌ها، آیین‌نامه‌ها، مؤسسات را ملزم به نظارت و موافقت

مسئولان دولتی می‌کند.

در مورد کمک‌های مالی به نهادهای خیریه خارج از آمریکا، مؤسسات خیریه پرداخت کننده ملزم هستند صلاحیت نهادهای دریافت کننده را، طبق قانون آمریکا، به حکومت فدرال ثابت کنند. هم چنین وکیل حقوقی گزارش‌های مالی پرداخت‌ها را باید کاملاً کنترل کرده و کلیه اسناد، تعهدات و توافق‌ها را بررسی کند و نظر خود را نسبت به این که نهاد دریافت کننده منطبق با معیارهای نهادهای خیریه در آمریکا می‌باشد یا خیر، اعلام دارد. برای نمونه طبق آمار «مرکز مؤسسات خیریه» مؤسسات خیریه آمریکا در سال ۱۹۸۹م مبلغ ۱۲۷ میلیون دلار به عنوان کمک‌های مالی به فعالیت‌های خیریه و انسانی در جهان، پرداخت کرده است.

نوع کمک‌ها و فعالیت‌ها

مؤسسات خیریه کمک‌های مالی بسیاری به اهداف متنوع و فعالیت‌های گوناگون و متعدد، از مراکز آموزشی و پزشکی گرفته تا تعاونی‌ها و نهادهای توسعه محلی و سازمان‌های حقوق بشر می‌کند. البته اکثر کمک‌ها به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بوده و مقدار کمتری به نهادهای دینی و مذهبی اختصاص دارد. با این وجود باز هم حدود ۲/۴٪ کمک‌ها از راه بورس تحصیلی به اشخاص پرداخت می‌شود.

توزیع کمک‌های مالی بر اساس موضوع فعالیت

آموزش	۲۲/۲٪
بهداشت	۱۷/۳٪
خدمات انسانی	۱۵/۲٪
فرهنگ و هنر	۱۴٪
علوم	۱۱٪
خدمات اجتماعی	۱۰٪
محیط زیست	۴/۹٪
امور بین‌المللی	۳/۹٪
امور مذهبی	۱/۵٪
جمع	۱۰۰٪

آمار کمک مالی به نهادها

تعداد نهادهای خیریه فعال در آمریکا که بیشتر خدمات عملی تقدیم می‌کنند تا کمک مالی، بیش از یک میلیون است. این نهادها دو منبع مالی دارند: یک منبع «مؤسسات خیریه» هستند که مقدار کمتری از کمک‌های مالی را به این گونه نهادها می‌پردازند، و منبع دیگری «اشخاص» مستقل که بیشترین پرداختی‌های آنها به امور مذهبی و کلیساها می‌رسد. آمار ذیل نشان دهنده تفکیک این کمک‌ها و منابع مالی نهادهای خیریه است:

۱. از مؤسسات خیریه وابسته به شرکت‌ها ۵/۹ میلیارد دلار ۴/۸٪؛

۲. از مؤسسات خیریه عام ۷/۱ میلیارد دلار ۵/۷٪؛

۳. از اموال ارث و ترکه وصیت ۷/۸ میلیارد دلار ۶/۴٪؛

۴. از اشخاص مستقل ۱۰/۸ میلیارد دلار ۸۳/۱٪.

منابع مالی دیگر نهادها

تنها منابع مالی نهادهای خیریه داخلی در امریکا مؤسسات خیریه یا اشخاص نمی‌باشند بلکه منابع دیگر مالی نیز وجود دارد که به نوع فعالیت آن نهاد وابسته است. هزینه این منابع از طریق موارد زیر تأمین می‌شود:

۱. دریافت درصدی بابت خدمات ارائه شده توسط مؤسسات؛

۲. فروش مواد تولیدی نهادها؛

۳. کمک‌های حکومت محلی یا فدرال بابت خدمات آن‌ها؛

۴. کمک‌های مالی حکومت بابت اجرای طرحی مشخص؛

۵. سود و عواید سهام و اموال سرمایه‌گذاری شده در صندوق‌ها؛

۶. عواید ناشی از مستغلات و املاک وقف شده؛

۷. منابع دیگر مالی؛

۸. عواید اهدایی‌های خاص که به امور خیریه تعلق ندارد و مشمول مالیات نیز می‌باشد (این گونه منابع امروزه بسیار ناچیز است).

۲. عوامل پیدایش مؤسسات خیریه

ایجاد مؤسسات خیریه در امریکا از نظر تاریخی به چند عامل بر می‌گردد:

الف. به عنوان منبع مهم مالی

در واقع مؤسسات خیریه منبع مهم مالی هستند که می‌توانند با روش‌های نوین به حل مشکلات اجتماعی جامعه، مستقل از نهادهای حکومتی یا بخش خصوصی، کمک کنند. گاهی در تعریف این مؤسسات می‌گویند: «سرمایه مردمی که در معرض ریسک و مخاطره است.» این تعریف به این علت است که این منبع مالی، در محدوده خود از قبیل کمک به طرح‌های آزمایشگاهی، پژوهش‌ها، طرح‌های فرهنگی و یا حل مشکلات جامعه، در امور مالی آزادی عمل دارد.

ب. ریشه‌های دینی و فرهنگی جامعه

چرا فعالیت‌های خیریه و غیرانتفاعی، جزئی از فرهنگ ملی مردم امریکاست؟ در جواب باید گفت که انجام کارهای خیریه ریشه در فرهنگ ملی امریکا دارد، زیرا نیکوکاری دارای ریشه‌های عمیق دینی در تاریخ این سرزمین دارد، تاریخ جامعه سرشار از همیاری مردمی، اعتقاد به اصول مشارکت و دموکراسی ملی، و ضرورت همکاری اجتماعی در حل مشکلات، علاوه بر اعتقاد به استقلال و حکومت محدود (به قانون) می‌باشد.

تاریخ مردم این سرزمین نشان می‌دهد مهاجرین اولیه هنگام ورود دارای حکومتی ضعیف بوده و دور از منطقه خود با مشکلات زیاد مواجه بودند. پس مردم به ناچار با هم‌پاری و مشارکت، حکومت محلی را تقویت نموده و مشکلات خود را از راه فعالیت‌های مردمی، مانند ساختن مدارس، کلیساها، اطفاء حریق و غیره حل می‌کردند. از راه همین تجربه‌ها روحیه نیکوکاری، فعالیت داوطلبانه و خیریه برای رفاه حال مردم گسترش یافت. سپس مهاجرین جدید از آسیا، امریکای جنوبی و کشورهای دیگر آمدند. آنان نیز به کمک



افراد جامعه خود از راه اماکن مذهبی، یا کمک به فقرا یا تشکیل جمعیت‌های خیریه برای کمک به مهاجرین دیگر، اقدام کردند. در واقع مهاجرین اروپایی و آفریقایی نیز در نیکوکاری و کمک‌های مالی دارای ریشه‌های عمیق هستند.

حج - پشتیبان قانونی

علاوه بر آن بسیاری از مهاجرین اولیه به خصوص اروپایی‌ها که کشورهای خود را به علل فشارهای دینی ترک کرده و به امریکا آمدند، قدرت حکومت را محدود ساختند، و حقوق افراد را در تشکیل نهادها و جمعیت‌ها با اهداف دینی، و نیز حق مشارکت در رأی دادن، انتقاد و دست یافتن به منافع عمومی بدون دخالت دولت، تضمین کردند. این حق از جمله مبانی گسترش نهادهای غیر دولتی است که قانون اساسی امریکا در اولین تغییر خود، آن را تضمین کرده است.

۳ - ریشه دینی کارهای خیریه

بی‌شک، باورهای دینی ریشه دار، نقش اساسی در پیدایش فعالیت‌های نیکوکاری و خیریه در جامعه امریکا دارد، زیرا کمک‌های مالی به نیازمندان در مناطق خود یا مناطق دور دست، یا کمک به آسیب دیدگان حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و یا کمک به کلیساها، نمایانگر تعهد و مسؤلیت دینی بسیاری از مردم است. و این گرایش در کمک به امور خیریه توسط رهبران مذهبی، یا فعالیت کلیساها مورد تأیید قرار گرفته است.

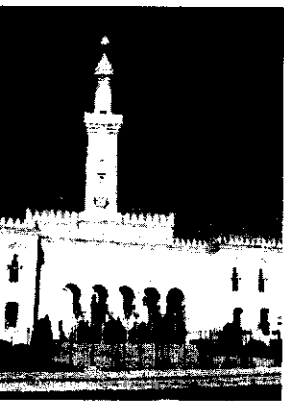
نیز اعتقاد به مفهوم دینی وکالت یا «وصی بودن» (Stewardship) باعث شد که کمک‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری میان ثروتمندان افزایش یابد. مردم دین دار باور داشتند که ثروت از طرف خدا به انسان می‌رسد، و بشر امانت دار و وصی خداست، پس باید این اموال را به دیگران برسانند. مفهوم «وصی بودن» بعدگسترده تری پیدا کرده گونه‌ای که ثروتمندان، بالا بردن سطح رفاه جامعه از راه کمک‌ها و رهبری مردم را جزو مسؤلیت‌های خود دانستند.

در تاریخ مردم امریکای خوانیم که بسیاری از آنان از مظاهر ثروت اندوزی بیزار بودند، و گاهی معتقد بودند که ثروت زیاد برای فرزندان باعث انحراف و مفسده آن‌ها خواهد بود، و چه بسا ثروت زیاد برای انسان هنگام مرگ عار است و نه افتخار. این اعتقاد هنوز میان مردم طرفدارانی دارد، و باعث گسترش کمک‌ها و فعالیت‌های خیریه است.

۴ - فعالیت‌های خیریه با انگیزه‌های انسانی

بنجامین فرانکلین سیاستمدار و مورخ معروف دوره استعمار انگلیسی در امریکا، یکی از نیکوکاران و افراد خیرخواهی بود که فعالیت‌های وی با انگیزه نوع دوستی و بدون انگیزه دینی بوده است. وی زندگی خود را برای رفاه جامعه و بالا بردن سطح زندگی آن‌ها وقف کرده بود. او نهادهای ملی خیرخواهانه مانند «جمعیت داوطلبانه ضد حریق» (Volunteer fire company)، بیمارستان پنسیلوانیا، دانشگاه پنسیلوانیا و کتابخانه عمومی فیلادلفیا را تأسیس نمود.

در قرن هجدهم میلادی، روند نهادهای خیریه و مدنی در امریکا بالا گرفته بود. آلکسی توکویل نویسنده فرانسوی کتاب دموکراسی در امریکا (که در سال ۱۸۳۵م چاپ شد) معتقد است که نهادهای



داوطلبانه مردم امریکابه عنوان ابزاری مهم در حکومت خودمختار محلی نقش دارند. وی اضافه می کند که این نهادها نقشی در تحکیم دموکراسی و محدودیت قدرت دولت داشته است.

در واقع مردم نتوانستند نهادهای خیریه را در مشکلات واقعی، و اجرای پژوهش ها و تحقیقات علمی به کار گیرند مگر در اوایل قرن بیستم.

آندرو کارنیگی^{۳۱}، ثروتمند امریکایی، یکی از پیشروان کارهای خیریه نوین می باشد. وی در اواخر قرن نوزدهم میلادی تفسیر جدیدی از مفهوم دینی وکیل یا «وصی بودن» (Stewardship) ارائه داد. وی معتقد بود که ثروت از راه «رقابت طبیعی» انسان ها به دست می آید و نه از راه «اختیار الهی»، آن گونه که آن روزها جزو باور مردم امریکا بوده است. وی معتقد بود ثروت انسان وسیله ای است برای گسترش نیکوکاری و کارهای خیریه، و در نتیجه تقویت و گسترش تمدن بشری. او این افکار را در برابر افکار انقلابی و اصلاح طلبانه رادیکال مطرح کرده بود. کارنیگی اهداف و افکار خود را از راه تأسیس کتابخانه های عمومی و مؤسسات خیریه دیگر ادامه داد و معتقد بود که این نهادها نردبانی است برای کسانی که به دنبال تحقق اهداف خود می باشند.

آغاز پیدایش مؤسسات خیریه

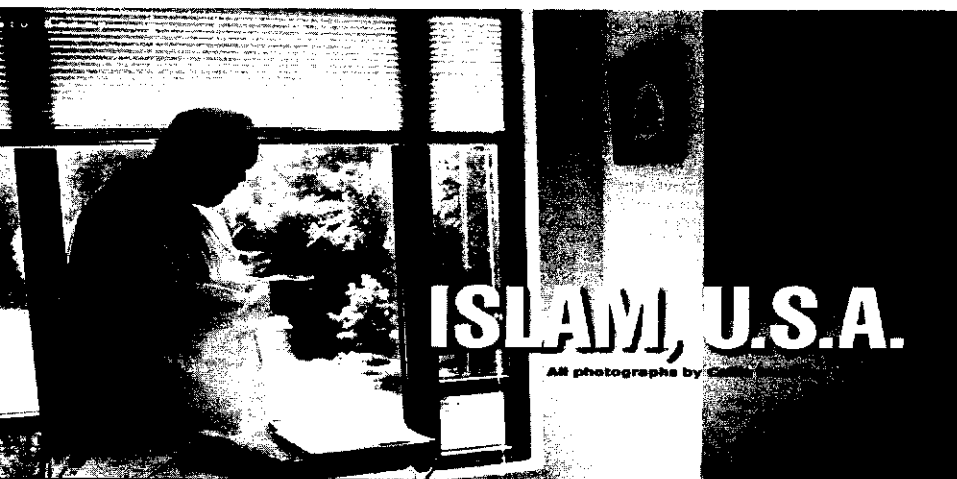
در آغاز قرن بیستم عده ای از پیشتازان فعالیت های مدنی و نیکوکاری در امریکا مانند کارنیگی و روکفلر، ساختار جدیدی مشابه مدیریت شرکت های تازه تأسیس یافته آن دوران، برای مدیریت مؤسسات خیریه به وجود آوردند. این نوع مدیریت به آنان آزادی عمل بهتری نسبت به «نهادهای وقفی» دینی و نیکوکاری که از فرهنگ حقوقی انگلستان برای آنها باقی مانده بود داد، پس مؤسسات جدید به جای «هیأت امانا» دارای «هیأت مدیره» و «مدیر» برای نظارت و اشراف بر کارهای خیریه شدند.

در همان زمان فردریک گوف، در شهر کلیولند در ایالت اوهایو اولین «مؤسسه خیریه عمومی»، را تأسیس می کند. هدف این گونه مؤسسات خیریه (چه خاص و چه عام) دادن کمک مالی یا خدمات به طور مستقیم به مردم نبود، بلکه هدف آن ها ایجاد بستر مناسب و یا ابزاری به نام «نهادهای خیریه علمی» (Scientific charity) در راه اصلاح جامعه، و حل مشکلات از راه مبارزه با ریشه های فقر و مرض و عقب ماندگی بود.

پس می توان نتیجه گرفت که اندیشه ایجاد مؤسسات خیریه علمی، زاینده دوره ای از امید و ایمان به نقش علم و اندیشه برای حل مشکلات بشری است، و این اندیشه ای اساسی بود که به موجب آن بقیه مؤسسات خیریه در امریکا تأسیس یافتند. پس از آن مرحله بود که مؤسسات خیریه خاص، توسط افراد یا شرکت ها و نیز مؤسسات خیریه عام به وجود آمدند. به خصوص پس از این که قانون امریکا در سال ۱۹۵۳ به دنبال افزایش این گونه مؤسسات خیریه در دهه چهل میلادی و پس از افزایش درآمدها و مالیات ها، مفهوم «کمک شرکت ها» در امور خیریه را روشن ساخت.

و. نقش معافیت مالیات در گسترش امور خیریه

اگر مسایل دینی و مذهبی را که از عوامل مهم نیکوکاری است، در نظر نگیریم، بعضی از مردم نیکوکاری را با انگیزه جاودانه کردن نام فردی یا خانواده ای انجام می دهند، و عده ای هم برای استفاده از کسر مالیات^{۳۲}. زیرا مؤسسات خیریه اجازه دارند، کمک های مالی کسر شده از مالیات افراد را دریافت نموده، و به بهره وران در داخل یا خارج از امریکا ارسال نمایند، و یا در قالب بورس تحصیلی آن را پرداخت کنند. به خصوص این که خود افراد شخصاً نمی توانند از این کسر مالیاتی استفاده کنند، و باید از راه مؤسسات خیریه باشد.



بدون شک امکان کسر درصدی از مالیات بر درآمد افراد و اختصاص آن به کارهای خیریه نقش و انگیزه مهمی در افراد ایجاد می‌کند، ولی این مسأله نقش کمتری در تأسیس مؤسسات خیریه دارد، زیرا مؤسسات خیریه اصلی و مهم قبل از صدور قانون مالیات بر درآمد تأسیس شده بودند.

۱۰۰۰ نهاد خیریه در آمریکا وجود دارد.

در دهه هفتاد میلادی، روند تأسیس مؤسسات خیریه رو به کاهش نهاد. آمارها نشان می‌دهد در آن دهه فقط ۸۳۹ مؤسسه به ثبت رسیده است، ولی در دهه هشتاد رو به افزایش بود. در آمار آمده که تا سال ۱۹۸۷م حدود ۱۶۰۰ مؤسسه خیریه جدید، یعنی دو برابر دهه هفتاد، به ثبت رسیده است. شاید علت آن بهبود اقتصاد و افزایش درآمدهای شخصی افراد است، به خصوص اینکه مشکلات و نیازهای اجتماعی ریشه‌داری در این سال‌ها نمایان شد. این دو عامل (اقتصادی و اجتماعی) باعث افزایش نهادهای خیریه شدند.

۳. ساختار اداری و اجرایی مؤسسات خیریه

هیأت مدیره یا امنا

در رأس ساختار اداری مؤسسات خیریه، نهادی شورایی به نام «هیأت امنا» یا «هیأت مدیره» از افراد با صلاحیت و دارای اختیارات قانونی وجود دارد که بر کلیه امور اداری و مالی این مؤسسات نظارت و اشراف دارد. این هیأت مسؤلیت پی‌گیری و تحقق اهداف مؤسسه خیریه، بر حسب نیت و اهداف نیکوکاران و پرداخت کنندگان عطایای مالی، و یا بر حسب تصمیمات و برنامه‌های تصویب شده «هیأت امنا» را دارد. اکثر مؤسسات اختیارات کلی و عام در زمینه فعالیت‌های خیریه و انسانی برای رفاه جامعه دارند، و هیأت مدیره چگونگی هزینه اموال را تعیین می‌کند؛ ولی بعضی از مؤسسات اهدافی خاص و تعیین شده مانند خدمات پزشکی، یا کمک به سرطانی‌ها یا مانند آن‌ها دارند، پس ناچار هیأت مدیره در آن حوزه عمل می‌کند، و در هر دوره بیلان درآمدها و هزینه‌ها را بررسی و ارزیابی می‌کند و شاید پس از مدتی زمینه فعالیت خود را گسترش داده، یا آن را تغییر دهد.

کادر اداری پیش از ۲۰۰۰ مؤسسه خیریه بزرگ در آمریکا بهترین برنامه‌ها و کادرهای اداری لازم را زیر نظر سیستم «هیأت مدیره» اداره می‌کنند. این مؤسسات بیش از ۱۰۰۰۰ کارمند زن و مرد را استخدام کرده‌اند. نمونه‌های خوب این مؤسسات دارای مدیر عامل در رأس نهاد خود، مسؤلی برای طرح‌ها و اعانه‌ها و منشی برای مکاتبات و امور اداری می‌باشند. بعضی از مؤسسات دارای تعداد زیادی از کارمندان و ساختار اداری منظم و پیچیده می‌باشند مانند «بنیاد خیریه فورد» که ۵۰۰ کارمند ثابت و دفاتر و حتی شعبی در کشورهای دیگر دارد.^{۱۱}

ولی اکثر مؤسسات خیریه در امریکا (برای صرفه جویی در هزینه) کارمند ثابت استخدام نمی کنند، بلکه مدیریت آن توسط داوطلبان و یا نیکوکاران اهداکننده یا خانواده نیکوکار و یا هیأت مدیره انجام می شود. گاهی این مؤسسات از مشاوران یا کارمندان پاره وقت برای کارهای محدود مانند حساب داری یا امور حقوقی بهره می برند، اما مؤسسات خیریه کوچک معمولاً توسط یک وکیل حقوقی، یا حساب داری بانک ها اداره می شوند.

کمک های مالی چگونه توزیع می شود؟

پرداخت کمک مالی به نهادهای خیریه بسته به مقدار بودجه اختصاصی، نوع فعالیت آن نهاد، منطقه جغرافیایی فعالیت (محلی، ملی، بین المللی)، و اختیارات هیأت مدیره می باشد.

مراحل کار از این قرار است: نخست نهاد خیریه که به کمک مالی نیاز دارد، خواسته خود را در یک درخواست کتبی به هیأت مدیره «مؤسسه خیریه» ارائه می دهد. در این درخواست نوع فعالیت، بودجه لازم، طرح تفصیلی، و وضعیت مالی شرح داده می شود. هیأت مدیره درخواست را از این جهت بررسی می کند که آیا مشمول کمک های مالی در چارچوب اهداف خود قرار دارد یا خیر؟ و آیا نهاد درخواست کننده، شرایط مطلوب را نداشت، یا خارج از اهداف مؤسسه یا خارج از محدوده جغرافیایی آن بود، به درخواست و به درخواست کننده جواب منفی ابلاغ می شود. ولی اگر شرایط لازم را داشت اصل طرح و درخواست مورد بررسی قرار می گیرد و سپس بودجه درخواستی ارزیابی می شود. گاهی اطلاعات بیشتری در مورد طرح یا مسؤلان آن درخواست می شود، و یا با مؤسسات خیریه دیگری که قبلاً به درخواست کننده کمک نموده بودند مکاتبه کرده و اطلاعات بیشتری را جمع آوری می کنند. شاید هم نماینده یا بازرس جهت بازدید یا جهت مصاحبه با درخواست کننده بفرستند.

در اکثر مؤسسات خیریه کوچک یا متوسط، این درخواست و اطلاعات جمع آوری به طور خلاصه گزارش شده و به اولین جلسه «هیأت مدیره» جهت پذیرفتن یا رد آن عرضه و به نتیجه می رسد. ولی در مؤسسات بزرگ که معمولاً کمک های مالی آن ها فراوان است، این درخواست به یکی از اعضای هیأت مدیره داده می شود؛ وی اطلاعات لازم را جمع آوری کرده، سپس نظر منفی یا مثبت خود را اعلام می کند. برای این نظر یا باریس هیأت مدیره صحبت می شود یا در اولین جلسه هیأت، تصمیم گیری می شود. در این جلسه لیستی از درخواست های مالی نهادهای خیریه مطرح می شود و وظیفه هیأت مدیره نظارت کلی بر روند کمک هاست تا از چارچوب اهداف خارج نشود.

اگر درخواست کمک، مورد موافقت قرار گرفت، نخست جواب مثبت با شرطها ارسال می شود. پس از موافقت درخواست کننده با آن شرطها، چکی به همان مبلغ برای وی ارسال می شود. در شرطها گاهی نوشته می شود که اموال تقدیمی باید بر حسب طرح ارائه شده هزینه شود، و یا در چارچوب قانون امریکا باشد، و یا ضرورت ارسال گزارش های مرحله ای از هزینه ها، و یا گزارش دوره ای از پیشرفت کار، گنجانده می شود.

گاهی مؤسسات برای پرداخت کمک مالی شرطها و یا لایحه اجرایی مخصوصی مانند مشورت با مؤسسات دیگر که در همان زمینه فعالیت می کنند دارند، تا تصمیم گیری آن ها بر اساس اطلاعات دقیق باشد. یا این که برای پذیرش بورس تحصیلی افراد، شرایط گزینش مشخصی که از طرف دولت مورد پذیرش قرار گرفته، وضع می گردد. بعضی از مؤسسات خیریه کمک های بورس تحصیلی را مستقیماً به دانشگاه ها می دهند، تا آن ها طبق آیین نامه ها و شرایط پذیرش خود، به افراد بدهند.

فعالیت های دیگر مؤسسات

بعضی از مؤسسات خیریه برای اجرای طرح ها وام می دهند، و یا در طرح های خیریه سرمایه گذاری می کنند. گاهی

همایش‌هایی جهت بررسی مشکلات جدید اجتماعی یا مسایل به وجود آمده تشکیل می‌شود. این مؤسسات در مواردی به نهادهای خیریه کمک اداری می‌کنند یا به نیروی انسانی جهت بهبود عملکرد آن‌ها آموزش می‌دهند.

رابطه مؤسسات خیریه با دولت

با این‌که مؤسسات خیریه در امریکا با دولت هیچ‌گونه ارتباط سازمان یافته‌ای ندارند، ولی در زمینه‌های مختلف رابطه مستقیم یا غیر مستقیم دارند. مثلاً این‌گونه مؤسسات دولت را، از طرح‌های پژوهشی و علمی خود در دانشگاه‌ها، آگاه می‌سازند. گاهی از این‌گونه پژوهش‌ها در طرح‌ها و لوایح قانونی استفاده می‌کنند تا به آن‌ها کمک شود و وضعیت مؤسسات خیریه بهتر شود. بعضی از مؤسسات خیریه طرح کوچکی را به مرحله اجرا می‌گذارند و پس از موفقیت از دستگاه‌های اجرایی دولت می‌خواهند که آن را گسترش داده و ادامه دهد، تا به قشرهای بیشتری از جامعه سود برسد. دولت هم گاهی در اجرای طرح‌های خود از مؤسسات خیریه یاری جسته، و هزینه اجرای آن را پرداخت می‌کند.

بعضی از مؤسسات خیریه بودجه ارزیابی طرح‌های خدماتی دولت را پرداخت می‌کنند، تا عملکرد دولت بهبود یابد.

نهادهای خیریه و فعالیت سیاسی

معمولاً مؤسسات خیریه در فعالیت‌های سیاسی چه مستقیم و چه غیر مستقیم دخالت نمی‌کنند، ولی از روش‌های تأثیر غیر مستقیم مؤسسات خیریه بر سازمان‌های دولتی آن است که به نهادهای غیر انتفاعی و مدنی که در زمینه مراقبت و نقد دولت در زمینه‌های بهداشت، آموزش، محیط زیست و غیره فعالیت می‌کنند، کمک نموده، تا بر روند قانون‌گذاری کشور و تصمیم‌های سیاسی دولت تأثیر گذارند.

تنها در یک زمینه، مؤسسات خیریه به طور مستقیم وارد فعالیت سیاسی می‌شوند و آن ایجاد افکار عمومی مؤثر در زمینه تصویب قوانینی است که با عملکرد مؤسسات خصوصاً امور خیریه، رابطه مستقیم داشته باشد.

۴. آیین‌نامه اداری و نقش نظارت مردمی

چه قانون و اداره‌ای مسؤول نهادهای خیریه است؟

در امریکا هیچ اداره دولتی رسمی مخصوص و مسؤول نهادهای خیریه نیست، در حکومت‌های محلی ایالت‌ها، فقط قانون مالیات بر کار آن‌ها نظارت می‌کند، زیرا فقط قانون درآمدهای داخلی، بر فعالیت‌های نهادهای خیریه و سازمان‌های غیرانتفاعی، نظارت می‌کند.^{۱۵}

مهم‌ترین قوانین در رابطه با فعالیت‌های خیریه «قانون اصلاحات مالیاتی سال ۱۹۶۹ و ملحقات آن» است؛ چون نهاد خیریه در صورت ارتکاب تخلف ملزم به پرداخت مجازات‌های مالی هستند، و در صورت تشدید تخلف و یا تجاوز قانون، امتیاز معافیت مالیاتی را از دست می‌دهد، و منجر به پرداخت مالیات بر درآمدها و مالیات بر هدایای مالی از طرف نیکوکاران می‌شود.

آنچه بر نهادهای خیریه ممنوع است

نهادهای خیریه گاهی نمی‌توانند در بعضی از فعالیت‌ها دخالت کنند، و یا حتی پشتیبانی مالی کنند (به جز دریافت حق اجرت خدمات ارائه شده در آن زمینه). نیز نمی‌توانند با اموال نیکوکاران در سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز (باریسک خسارت) مشارکت کنند مگر اینکه بخشی از آن نخست در زمینه فعالیت خیریه هزینه شود (مثلاً مؤسسات خیریه ملزم به پرداخت حداقل ۵٪ از عواید خود به کمک‌های مالی و هزینه‌های جاری آن هستند). هم‌چنین نمی‌توانند در

فعالیت‌های انتخابات سیاسی یا فعالیت‌های متعلق به قانون‌گذاری کمک‌کنند؛ ولی می‌توانند در آن زمینه یا در زمینه مناظره‌های سیاسی، به پژوهش‌ها و تحلیل‌ها کمک مالی نمایند.

برای مشارکت سامان یافته در حل مشکلات عام اجتماعی، نهادهای خیریه در یک دوره وارد کارزار سیاسی شدند، و این کار باعث جزو بحث سیاسی شد. در آن زمان، منتقدان سخنانی در زمینه انگیزه‌های آنان در این دخالت، و حق مردم در نظارت بر عملکرد و بازخواست آنها مطرح کردند. از طرفی بنیان‌گذاران اولیه افرادی بودند دارای ثروت، و مؤسسات خود را بدون تفویض اختیار از طرف مردم بنیان نهاده بودند؛ از طرف دیگر منتقدین ادعا می‌کردند که این ثروت از راه استثمار کارگران و مشتریان به دست آمده، و کارهای خیریه آن‌ها چیزی جز ادای دین، و پاک کردن گناهان خود نیست. گاهی هم به نیکوکاران این اتهام وارد می‌شد که آنان این کار را برای تسلط بر جامعه، و یا فرار از پرداخت مالیات انجام می‌دهند. در حقیقت انتقادات به نهادهای خیریه، که خواست‌گاه مردمی داشته، ناظر به مواردی از فساد و سوء استفاده مالی یا فعالیت‌های سیاسی نهادها در یک دوره خاص بوده، که پس از انجام تحقیقات جنایی در سال‌های اخیر مطرح شد. بازپرسی‌ها و تحقیقات در سال‌های شصت میلادی در مورد این نهادها، و کشف تعدادی از سوء استفاده‌های مالی، منجر به ظهور «قوانین اصلاحات مالیاتی سال ۱۹۶۹م» شد. این قوانین باعث شد که عملکرد نهادهای خیریه بهتر و انتقادات کمتر شود و مردم به آن‌ها اعتماد بیشتری داشته باشند.

حکومت فدرال، گزارش‌های مالی و عملکرد نهادهای خیریه را سالیانه با انتخاب نمونه‌هایی از آن‌ها به طور دقیق بررسی می‌نماید. گاهی یکی از مقامات رسمی از دفتر مؤسسه خیریه بازدید به عمل آورده و دفاتر عواید مالی و پرداختی‌ها را واریس می‌کند. هم‌چنین «دادستان کل ایالت» به گزارش‌ها مراجعه کرده و آن‌ها را با قوانین حاکم بر فعالیت‌های خیریه تطبیق می‌دهد.

در جامعه نوین امریکای بنییم که دو مفهوم دینی، یکی عطایا و مصارف خیریه (وقف) (Endowment)، و دیگری مفهوم امانت و سرپرستی (وصایت) (Stewardship) بر انگیزه‌های فعالیت‌های خیریه نفوذ کرده، و این نهادها دارای آزادی عمل می‌باشند. بنابراین اعتماد مردم را باید از راه امانت‌داری و التزام به مصرف اموال در راه خدمت مردم جلب کنند. نهادهای خیریه افتخار می‌کنند که مورد اعتماد مردم هستند، زیرا به قوانین و آیین‌نامه‌ها عمل کرده و کارهایشان رسمی و علنی است.

شفافیت و اعلام گزارش‌های مالی به عموم، یکی از مهم‌ترین عوامل اعتماد مردم به نهادهای خیریه و غیر انتفاعی در امریکاست. این گزارش‌های علنی هم به نهادهای رسمی و هم به مردم، ثابت می‌کند که کار آنها قانونی و شرعی است؛ هم‌چنین به پژوهشگران اجازه می‌دهد که پژوهش‌های دقیق‌تری از نهادها به عمل آورند. علاوه بر آن، اعتماد مردم را به فعالیت‌ها و نهادهای خیریه افزایش می‌دهد.

مؤسسات خیریه از نظر قانونی ملزم هستند که سالیانه بیان مالی خود را به مقامات دولتی ارایه دهند. این بیان باید شامل منابع مالی، هزینه‌ها، حقوق کارمندان، سرمایه‌گذاری‌ها، وام‌ها، دریافتی‌ها، اهدایی‌های مالی، خدمات در مقابل

اجرت و هرگونه اطلاعات مالی دیگر باشد. آن‌ها هم چنین موظف هستند لیستی از کمک‌های مالی به مؤسسات دیگر، بورس‌های تحصیلی و شرایط پرداخت‌ها را اعلام کنند چراکه این گونه اطلاعات جزو اسناد عمومی هستند که مردم حق دارند از آن اطلاع یابند.^{۱۶}

۱۶. گزارش‌های مالی و اطلاعات مالی

مؤسسات به طور داوطلبانه اطلاعات مالی خود را از راه رسانه‌ها یا اتحادیه مؤسسات خیریه و یا مراکز آمار به درخواست کنندگان اطلاعات و کمک‌ها یا عموم مردم عرضه می‌کنند:

۱۷. فعالیت‌های رسانه‌ای

اکثر نهادها گزارش‌های سالیانه از عملکرد و وضع مالی خود را برای اطلاع عموم مردم چاپ و منتشر می‌کنند. این گزارش هیچ اجبار قانونی ندارد، ولی مردم از آن‌ها توقع چنین گزارشی را دارند. هم چنین بعضی از نهادها جزوه‌های تعریف، خبرنامه، مصاحبه‌های مطبوعاتی یا رسانه‌ای، کتاب، فیلم و اخیراً وب سایت آماده می‌کنند تا با مردم در ارتباط باشند. گاهی آنان توضیح می‌دهند که چگونه به دیگران کمک مالی می‌کنند و به ارائه گزارشی نتایج آن کمک‌ها می‌پردازند. این گزارش‌ها نقش مهمی در تفکیک این که «این نهاد آیا به مردم خدمت می‌کند یا به افراد با نفوذ؟» دارد.

۱۸. گزارش‌های رسانه‌ای

در اواخر قرن بیستم اتحادیه‌های مؤسسات خیریه در آمریکا تأسیس شد که از آن جمله شورای مؤسسات غیر دولتی «Council On Foundation» یا «C.O.F» و سازمان کارهای خیریه است. این گونه اتحادیه‌ها از راه برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ای و پژوهش‌ها، عملکرد نهادهای خیریه و سطح کارکنان آن‌ها را بالا برده و پلی میان نهادهای خیریه و حکومت می‌باشند.

در سال ۱۹۸۰م، و پس از مذاکرات طولانی و ملاقات با اعضای نهادهای خیریه، شورای مؤسسات غیر دولتی (C.O.F) طرحی را به تصویب رساند که به موجب آن اعضای هیأت مدیره مؤسسات خیریه اصول و آیین‌نامه پرداخت‌ها و کمک‌های مالی را رعایت کنند. در این آیین‌نامه شرح مفصلی از مراحل تصویب کمک‌های مالی گنجانده شده، که به موجب آن کار مؤسسات خیریه در چارچوب قانونی و شرعی خواهد بود. هم چنین در بعضی ایالت‌ها، اتحادیه‌های محلی برای نهادهای خیریه وجود دارد که نقشی در هماهنگی و بالابردن سطح کیفی کار آن‌ها را به عهده دارد.

۱۹. مرکز برای مؤسسات خیریه

این مرکزیکی از نهادهای مهم جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مؤسسات خیریه می‌باشد. این مرکز منابع مالی را معرفی نموده، و به درخواست کنندگان کمک‌های مالی اطلاعات لازم را می‌دهد؛ هم چنین اطلاعات عرضه شده از طرف دولت را به مردم و نهادها می‌رساند. هزینه این خدمات توسط کمک‌های مالی نهادهای خیریه پرداخت می‌شود.

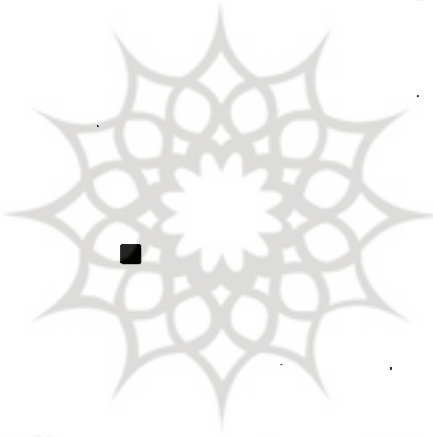
آموزش کادرها

شوراهای مؤسسات غیر دولتی و اتحادیه کمک‌دهندگان مالی محلی، جزو مؤسسات آموزشی کادرهای فعال در زمینه امور خیریه می‌باشند، زیرا کمک‌دهندگان مالی گاهی در یک گروه و زمینه مانند بهداشت، محیط زیست یا هنر فعالیت می‌کنند؛ لذا اطلاعات لازم را برای آن‌ها تهیه می‌کنند. هم چنین مدیران و اعضای هیأت مدیره «مرکز مؤسسات خیریه» نقش کارسازی در تأسیس اتحادیه‌های محلی برای نهادهای خیریه امور زنان، سیاه‌پوستان، آسیایی‌ها، مهاجرین جزایر

پاسفیک، سرخ پوستان امریکا و غیره داشته‌اند. آنها اطلاعات لازم و طرح‌های مورد نیاز نهادهای خیریه را در اختیارشان قرار می‌دهند.

۵. آینده مؤسسات خیریه

آینده مؤسسات خیریه امیدوارکننده است، زیرا برای تغییر قوانین دست‌وپاگیر این گونه نهادها، همایش‌ها و فعالیت‌هایی برپا شده، و امروزه هر تجمع و گروهی از ساکنان و مهاجرین و هر مؤسسه جهانی می‌تواند نهاد خیریه تأسیس کند. هم‌چنین آمار مؤسسات خیریه عام، و کمک‌های مالی پرداخت شده افزایش یافته است؛ گسترش این گونه مؤسسات و فعالیت‌ها، در واقع پشتوانه‌ای برای خدمات دولت، و نمایان‌گر قدرت امور خیریه، و ریشه‌دار بودن سنت‌های دینی و مدنی مردم است. مردم امریکا از راه فعالیت در این گونه مؤسسات، منابع مالی فراوانی در تولید ناخالص ملی و تهیه منابع مالی غیردولتی جهت بالابردن سطح رفاه مردم ایجاد می‌کنند.



پی‌نوشت‌ها

۱. جهت اختصار منظور از واژه امریکا فقط «ایالات متحده امریکا» است و شامل کشورهای دیگر قاره نیست.
۲. در ترجمه فارسی این واژه علاوه بر مفهوم نوع دوستی، بشر دوستی و انسان دوستی، به نیکوکاری، احسان و امور خیریه نیز ترجمه شده است.
۳. همان نهادهای N.G.O یا Non Government Organisation.
۴. در فرهنگ اسلامی نیز میان «صدقه» به معنی کمک مالی به مستمندان و «صدقه جاریه» یا «وقف» به معنی کمک برای رفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی به تمام اقشار جامعه، تفاوت اساسی وجود دارد.
۵. در وقف اسلامی نیز، هر موقوفه برای جهتی مخصوص به نام موقوف علیه یا موقوف علیهم یا خدمتی تعیین شده، طبق اهداف و نیات واقف می‌باشد.
۶. منظور از عدم دریافت سود این‌که خدمات تقدیمی آن بلاعوض و سودآور نمی‌باشد، ولی اگر آن مؤسسه صندوقی برای اموال ثابت [وقفی] خود دارد، آن اموال در چارچوب طرح‌های اقتصادی و فعالیت‌های تجاری سود و عواید دارد، سودها و عواید هزینه اهداف خیریه می‌شود.
۷. Excises Taxes مالیات تولید، فروش یا مصرف کالا. این واژه در سال‌های اخیر شامل اکثر مالیات‌ها غیر از «مالیات بر درآمد» می‌شود.
۸. تا آخر دهه هشتاد میلادی است، و شامل دو دهه اخیر نیست.
۹. Steward در لغت به معنی وکیل و مسؤول و یا شخصی که مسؤولیت یک خانه بزرگ و زمین را داراست، ولی واژه Stewardship یک مفهوم دینی و به معنی سرپرستی، ولایت و یا وصی و وکیل بودن انسان نسبت به ثروت و نعمت‌های خدادادی است. امروزه بسیاری از فعالیت‌های داوطلبانه، عطایای مالی و کمک به کلیساها با مفهوم Stewardship انجام می‌گیرد.
۱۰. بنجامین فرانکلین (۱۷۰۶-۱۷۹۰م) دانشمند، نویسنده و سیاست‌مدار امریکایی، مخترع برق‌گیر و عدسی دو کانونی، طراح

اتحاد مهاجرنشین های امریکاکه بعدها به پیدایش کشور ایالت های متحد انجامید.

۱۱. دموکراسی در امریکا La Democratie in Amerique اثری تاریخی، سیاسی از آلکسی دو توکویل (۱۸۰۵-۱۸۵۹) نویسنده فرانسوی که بعد از مراجعت وی از مأموریتی در امریکا، در فاصله سال های ۱۸۳۵-۱۸۴۰ انتشار یافت [فرهنگ آثار، ج ۳، ۱۹۶۵، سروش، تهران ۱۳۸۵]

۱۲. اندرو کارنیگی (۱۸۳۵-۱۹۱۹م) از رجال صنعت فولاد امریکا، اسکاتلندی الاصل و یکی از ثروتمندترین افراد عصر خود بود که اموال خود را در خدمت مؤسسات خیریه و نهادهای فرهنگی، آموزشی و علمی قرار داد. پس از بازنشستگی زندگی خود را وقف نویسندگی و کارهای خیریه نمود و در سال ۱۸۸۹ در مقاله ای به نام «ثروت» افکار خود را در ضرورت به کارگیری ثروت در راه خدمت به جامعه منتشر ساخت. کتاب های دیگر وی: دموکراسی پیروز (۱۸۸۶)، امپراتوری کارها (۱۹۰۲)، مشکلات روز (۱۹۰۸)، زندگی نامه کارنیگی (۱۹۲۰) می باشد. وی معتقد بود که مردم برای بالا بردن سطح زندگی خود باید زحمت بکشند، و ثروت مندان باید ثروت خود را در راه رفاه جامعه به کار گیرند؛ با کمک های مالی به نام «صدقه» مخالف، ولی با کمک های مالی جهت ایجاد بستر مناسب برای بالا رفتن سطح افراد جامعه، موافق بود. وی نصف ثروت خود را برای نهادهای خیریه از جمله تأسیس ۲۵۰۰ کتابخانه عمومی در جهان، و تأسیس مؤسسه علمی کارنیگی در واشنگتن به کار گرفت. [World Book Encyclopedia]

۱۳. کسر مالیات به معنای معافیت از مالیات نیست بلکه افراد می توانند با پرداخت کمک به مؤسسات خیریه و ارائه رسید به سازمان مالیاتی، به همان میزان که به کار خیر کمک کرده اند، از مالیات آنها کسر خواهد شد.

۱۴. مؤسسه و بنیاد خیریه فورد توسط شرکت اتومبیل فورد و رییس آن هنری فورد (۱۸۶۳-۱۹۴۷م) تأسیس یافت. این بنیاد خیریه نخست دو موزه فیلم و هنری فورد را در میشیگان تأسیس و سپس در زمینه انجام تحقیقات علمی و دادن بورس تحصیلی فعالیت کرد. این بنیاد در سال ۱۹۵۰ جزو بنیادهای ملی امریکا طبقه بندی شد.

۱۵. البته حکومت فدرال، گزارش های مالی و عملکرد سالیانه مؤسسات خیریه را بررسی می کند.

۱۶. متأسفانه در کشور ما شفافیت در گزارشات مالی به خوبی اجرا نمی شود؛ هنوز بعضی از نهادهای خیریه و وقفی هیچ گونه آماری را ارائه نمی دهند و قانون هم آن ها را ملزم به چنین کاری نمی کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی